

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران دوره اسلامی

موضوع:

روابط دولت آق قویونلو و امپراطوری عثمانی

توسط:

علی منصوری

استاد راهنما

دکتر عبدالرسول خیراندیش

شهریور ۱۳۸۶

۹۸۵۱۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه شیراز

۳۸۶ / ۱۲ / ۱۱

به نام خدا

روابط دولت آق قویونلو و امپراطوری عثمانی

به وسیله‌ی:

علی منصوری

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای
اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

تاریخ

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه..... عالی

دکتر عبدالرسول خیراندیش، دانشیار بخش تاریخ (رئیس کمیته)

دکتر سید حسن موسوی، استادیار بخش تاریخ

دکتر محمد علی رنجبر، استادیار بخش تاریخ

تقدیم به:

مادر و پدر عزیزم

اسوه‌های مقاومت و شکوه

خواهران و برادرانم

حامیان روزهای سخت زندگی

سپاسگزاری

به نام او و حمد و سپاس او که لحظه‌ای مرا به حال خود فرو نگذاشت و این توفیق را خود عطا فرمود تا به لطفش مومن باشم و به عنایتش موقن. اکنون با یاری او به پایان یکی دیگر از مراحل زندگی رسیده‌ام، اما این نقطه پایان، برایم تازه آغاز یک دنیاست؛ دنیایی که از پس آموزه‌هایم در این مقطع و به مدد انسان‌های وارسته‌ای که افتخار حضور در مجلس درسشان را یافتم، به رویم گشوده شد. دنیایی زیبا و شگفت که وضوح و صافی آن را به یقین مرهون استادان دانشمندی هستم که شاگردیشان افتخاری است که همه عمر بر آن خواهم بالید.

تدوین این پایان نامه را مدیون لطف و دانش استاد فرهیخته **دکتر عبدالرسول خیراندیش** هستم. از ایشان که شوق و شهادت انجام این پژوهش را به من بخشیدند، بسیار سپاسگزارم و حمایت‌های بی دریغشان را ارج می‌نهم. بهره بردن از محضر ایشان فرصتی خجسته بود.

همچنین در این مجال از عنایت و محبت استادان بزرگ منشم آقایان **دکتر موسوی و دکتر رنجبر** نه تنها به خاطر مساعدت و مشورتی که در این رساله در حقم روا داشتند، بلکه به پاس همه آن لحظات بالندگی و شکوفایی که از پس کلاسهای ایشان در خویش حس نموده‌ام، اجازت می‌طلبم تا صمیمانه‌ترین و فروتنانه‌ترین سپاسگزاری‌ها را به پیشگاهشان تقدیم کنم.

همواره آقای **دکتر فروزانی** را به خاطر منش والا و احترام بی دریغشان به دانشجو ستوده‌ام و در پیشگاه جناب آقای **دکتر وطن دوست** که همیشه از لطف و توجه خاصشان برخوردار بوده‌ام، سر تعظیم فرود می‌آوردم و بر شاگردیشان می‌بالم.

از کارکنان دلسوز دانشکده بخصوص سرکار خانم رودکی کمال تشکر و قدردانی را دارم. دوستان عزیزم را که بهتر و زلال‌تر از آب روان هستند و صداقتی عظیم و اندیشه‌هایی والا دارند، می‌ستایم. از دوستان عزیزم آقایان امرالهی، منصور، بیات، مشکوریان، شهریار، نجفی، همراهی، اکبری، صفی نژاد، روستا و خانم‌ها خسروآبادی، شکری، حسینی و مصلحی که بسیار لطف بر من داشتند، سپاسگزارم و همچنین از تمامی دوستان **قشقایی**م بسیار ممنونم.

از جبران زحمات خانواده‌ام عاجزم و تنها از خداوند آرزوی سلامتی و شادکامی را برایشان دارم.

چکیده

روابط دولت آق قویونلو و امپراطوری عثمانی

به وسیله

علی منصوری

اتحادیه آق قویونلوها در کشاکش روابط قدرت میان دولت هایی که از غرب تا آناتولی گسترده بودند، در اوایل قرن نهم هجری شکل گرفت. قراعثمان آق قویونلو نقش مهمی در تاسیس این اتحادیه داشت. تیمور به پاس فداکاری قراعثمان در سلسله جنگهایش با قراقویونلوها، جلایریان، عثمانی و مملوکان، حکومت آمد را به ابراهیم فرزند قراعثمان داد و ریاست اتحادیهی آق قویونلوها را به وی سپرد. این اتفاق بعد از واقعهی سیواس (۸۰۳هـ.ق) شکل گرفت. در واقعهی سیواس تیمور به راهنمایی و همراهی قراعثمان در اولین برخورد با سپاه عثمانی، آنان را شکست داد و سیواس را متصرف شد. قراعثمان در دوران حکومتش به تیموریان وفادار ماند. در دورهی قراعثمان روابط آق قویونلوها با عثمانی در کشاکش رابطه عثمانی با تیموریان تبلور می یابد، که اوج آن جنگ آنکارا در سال ۸۰۵هـ.ق است. بعد از مرگ قراعثمان تا روی کار آمدن اوزون حسن روابط آق قویونلوها با عثمانی به صورت آرام و بدون درگیری بود. اتحادیهی آق قویونلوها بعد از مرگ قراعثمان تا روی کار آمدن اوزون حسن درگیر منازعات داخلی شدند. از سوی دیگر دولت عثمانی نیز بعد از نبرد آنقره به مدت بیست سال دچار درگیریهای داخلی شد. در این دوره در سیاست خارجی اتحادیهی آق قویونلوها نقش مملوکان برجسته است. با روی کار آمدن اوزون حسن دوران رشد و بالندگی اتحادیه آق قویونلو آغاز می شود. در این دوره در سیاست خارجی آق قونلوها دو پدیدهی عثمانی و اروپا نقش درجهی اول را دارند. این دوران را می توان اوج روابط دو دولت، اعم از جنگ و صلح نامید. اوج این روابط را می توان در جنگهای ترجان و ائلق بلی (۸۷۸هـ.ق) مشاهده نمود. بعد از شکست ائلق بلی نگاه دولت آق قویونلوها به درون مرزهای ایران کشیده شد و تحت تاثیر فرهنگ ایرانی قرار گرفتند. در واپسین سالهای حکومت آق قویونلوها روابط آنان با عثمانی به صورت آرام و بدون درگیری ادامه یافت. در ایران آق قویونلوها بعد از مرگ اوزون حسن درگیر منازعات داخلی شدند و در عثمانی نیز با مرگ سلطان محمد فاتح درگیری بر سر جانشینی مدت مدیدی ادامه یافت، لذا دو دولت فرصت پرداختن به یکدیگر را نیافتند. حتی در طلیعهی شکل گیری دولت صفوی، تقاضای کمک آق قویونلوها از دولت عثمانی نتیجهی مشخصی را به دنبال نیاورد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل نخست: کلیات
۳.....	۱-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۴.....	۲-۱. پیشینه تحقیق.....
۴.....	۳-۱. روش تحقیق.....
۴.....	۴-۱. طرح مساله.....
۴.....	۵-۱. سوالات تحقیق.....
۵.....	۶-۱. فرضیه تحقیق.....
۵.....	۷-۱. بررسی منابع.....
فصل دوم: تخاصم تیمور با آل جلایر، قراقویونلوها و عثمانی و تاثیر آن بر شکل گیری آق-قویونلوها(۸۰۷-۷۸۸هـ.ق).....	
۹.....	۱-۲. جغرافیای سیاسی آناتولی و غرب ایران هنگام حمله‌ی تیمور(۸۰۴-۷۹۰هـ.ق).....
۱۱.....	۲-۲. تیمور و بایزید(۸۰۰-۵هـ.ق).....
۱۱.....	۳-۲. نخستین تماس بایزید ایلدرم با تیمور.....
۱۲.....	۴-۲. تصرف سیواس توسط تیمور.....
۱۳.....	۵-۲. موقعیت ایلدرم بایزید.....
۱۵.....	۶-۲. نبرد آنکارا(۸۰۴هـ.ق).....
۱۸.....	۷-۲. جنگ تیمور با قراقویونلوها(۸۰۷-۷۹۱هـ.ق).....
۱۸.....	۸-۲. جنگ تیمور با قرا محمد(۷۹۱-۷۸۹هـ.ق).....
۲۰.....	۹-۲. جنگ تیمور با مصر خواجه(۷۹۵هـ.ق).....
۲۱.....	۱۰-۲. جنگ تیمور با قرا یوسف(۸۰۷-۷۹۳هـ.ق).....
۲۳.....	۱۱-۲. جنگ تیمور با جلایریان(۸۰۷-۷۸۷هـ.ق).....
۲۵.....	۱۲-۲. واقعه‌ی سیواس؛ شکل گیری اتحادیه آق قویونلوها(۸۰۲-۳هـ.ق).....

فصل سوم: روابط امپراتوری عثمانی و دولت آق قویونلو از مرگ تیمور تا روی کار آمدن اوزون-

- حسن (۸۵۷-۸۰۷هـ.ق) ۲۹
- ۱-۳. آق قویونلوها از مرگ تیمور تا مرگ قراعثمان (۸۰۷-۸۳۹هـ.ق) ۲۹
- ۲-۳. نبردهای قراعثمان با قرایوسف (۸۲۳-۸۱۲هـ.ق) ۲۹
- ۳-۳. نبرد شیخ کنده؛ شکست قراعثمان از اسکندربن قرایوسف (۸۲۴هـ.ق) ۳۰
- ۳-۴. قراعثمان و کمک به شیروان شاه (۸۳۵هـ.ق) ۳۱
- ۳-۵. آق قویونلوها و مملوکان ۳۱
- ۳-۶. مرگ قراعثمان؛ پایان وفاداری به تیموریان (۸۳۹هـ.ق) ۳۲
- ۳-۷. آق قویونلوها و عثمانی در دوران شاهرخ (۸۵۰-۸۰۷هـ.ق) ۳۳
- ۳-۸. آق قویونلوها از مرگ قراعثمان تا روی کار آمدن اوزون حسن (۸۵۷-۸۳۹هـ.ق) ۳۴
- ۳-۹. علی بیگ و سلطان حمزه؛ دو پادشاه در یک اقلیم (۸۴۴-۸۳۹هـ.ق) ۳۴
- ۳-۱۰. میرزا و شاه؛ ادامه‌ی جنگ قبیله‌ای (۸۵۷-۸۴۴هـ.ق) ۳۸

فصل چهارم: عصر اوزون حسن؛ اوج روابط آق قویونلوها و امپراتوری عثمانی (۸۸۲-۸۵۷هـ.ق) ۴۲

- ۱-۴. عصر اوزون حسن؛ اوج روابط آق قویونلوها و امپراتوری عثمانی (۸۸۲-۸۵۷هـ.ق) ۴۲
- ۲-۴. قدرت گیری اوزون حسن (۸۵۷هـ.ق) ۴۲
- ۳-۴. جابجایی موقعیت سیاسی آق قویونلوها و تاثیر آن بر روابط با عثمانی (۳-۸۷۲هـ.ق) ۴۴
- ۴-۴. طرابوزان؛ اولین درگیری بین اوزون حسن و سلطان محمد فاتح (۸۶۶هـ.ق) ۴۹
- ۴-۵. آل قرامان؛ آخرین حایل بین عثمانی و آق قویونلوها (۵-۸۷۰هـ.ق) ۵۲
- ۴-۶. روابط آق قویونلوها و برخی از دول اروپایی برای مقابله با عثمانی (۸۵۷-۸۸۲هـ.ق) ۵۵
- ۴-۷. آق قویونلوها و رومانی (مولداوی) دو متحد ناکام در مقابله با عثمانی (۸-۸۷۷هـ.ق) ۶۱
- ۴-۷. جنگهای ترجان و اتلق بلی؛ اوج روابط آق قویونلوها و عثمانی (۸۷۸هـ.ق) ۶۶
- ۴-۹. شورش اغورلو محمد و پناهندگی به عثمانی (۸۷۹هـ.ق) ۷۵
- ۴-۶. روابط آق قویونلوها و برخی از دول اروپایی برای مقابله با عثمانی (۸۵۷-۸۸۲هـ.ق)

فصل پنجم: روابط امپراتوری عثمانی و دولت آق قویونلو از مرگ اوزون حسن تا سقوط آق قویونلوها؛

- دوران آرامش (۹۰۷-۸۸۲هـ.ق) ۸۰
- ۱-۵. مرگ اوزون حسن (۸۸۲هـ.ق) ۸۰
- ۲-۵. سلطان خلیل (۸۸۳هـ.ق) ۸۱

- ۳-۵. یعقوب بیگ و روابط صلح آمیز با عثمانی (۸۸۳هـ.ق)..... ۸۲
- ۴-۵. شورش قراقویونلوها در کرمان (۴-۸۸۳هـ.ق)..... ۸۳
- ۵-۵. شیخ حیدر صفوی و سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۹۱هـ.ق)..... ۸۴
- ۶-۵. بایسنقر (۸۹۷هـ.ق)..... ۸۶
- ۷-۵. رستم بیگ (۹۰۲هـ.ق)..... ۸۷
- ۸-۵. احمد بیگ و اصلاحات به سبک عثمانی؛ رومی؟ (۹۰۳هـ.ق)..... ۸۸
- ۹-۵. الوند بیگ؛ تقاضای کمک از عثمانی در برابر صفویه (۹۰۳هـ.ق)..... ۹۱
- ۱۰-۵. سلطان مراد؛ ادامه‌ی تقاضای کمک از عثمانی در برابر صفویه (۹۰۳هـ.ق)..... ۹۱
- ۹۲..... نتایج پژوهش.....
- ۹۶..... شجره نامه.....
- ۹۷..... نقشه‌ها.....
- ۱۰۰..... منابع و مآخذ.....

فصل نخست

کلیات

آق قویونلوها یا بایندیان، اولوس یا اتحادیه قبایل ترکمان در منطقه دیار بکر بودند. که از آغاز سده ۹هـ.ق/ ۱۵ م تا هـ.ق/ ۱۶ م در آناتولی شرقی و غرب ایران فرمان راندند. این اتحادیه را سران ایل بایندر رهبری می کردند. وجه تسمیه این واژه مرکب از سه جزء آق (سفید)، قویون (گوسفند)، لو (پسوند دارندگی و نسبت) روی هم رفته به معنای دارنده گوسفند سفید می باشد.

واژه آق قویونلو نخستین بار در منابع سده ۸هـ.ق/ ۱۴ م دیده شده است. در دوره های کهن تر اثری از آن دیده نشده است. تاریخ پیدایی اتحادیه آق قویونلوها که بایندر در رأس آنان قرار داشت، دانسته نیست. ظاهراً نخستین جایی که از بایندر در منابع اسلامی یاد شده، زین الاخبار است. گردیزی که اثر خود را در نیمه نخست سده پنجم قمری نوشته قبيله بلاندر را چهارمین طایفه از اتحادیه هفتگانه کیماک در مغرب سبیری یاد کرده است.

در دوره پراشویی که پس از مرگ آخرین ایلخان (ابوسعید) به وجود آمد، طوایف ترکمان مثل بقیه طوایف ترک موقعیت خویش را استحکام بخشیدند. از این میان دو طایفه آق قویونلوها و قراقویونلوها که به ترتیب در نواحی دیاربکر و شمال دریاچه وان سکنی داشتند پیش از دیگران قدرت کسب کردند. در آغاز قراقویونلوها دسته های دیگر را تحت الشعاع قرار دادند. ولی در اثر جنگ با تیمور تضعیف شدند. قرايوسف رئیس آنها مغلوب تیمورگورکانی شد. آق قویونلوها در سال ۸۰۴ هـ.ق به دلیل کمک قرايولوگ عثمان به تیمور در جنگ علیه عثمانی از طرف او به حکومت دیاربکر رسید.

پس برای ما تقریباً روشن است که روابط قراقویونلوها و آق قویونلوها که همیشه علیه یکدیگر در جنگ و جدال بودند تقریباً وابستگی آق قویونلوها به تیمور و تیموریان و قراقویونلوها به عثمانی را مشخص می کند. اوج روابط آق قویونلوها و عثمانی در واقع زمانی شکل گرفت که دیگر نه سلسله قراقویونلوها وجود داشت و نه تیمور، بلکه حتی اوزون حسن، ابوسعید تیموری را هم شکست داد. با مرگ ابوسعید، تیموریان به سوی انحطاط رفتند. در این مقطع ما روابط آق قویونلو و عثمانی را در کشمکش عثمانی با غرب به سردمداری ونیز، امپراتوری طرابوزان و سلسله قرامان می توانیم بازگو کنیم.

در این مرحله سلطان محمد فاتح در اوج قدرت خود قسطنطیه را سال ۱۴۵۳ م فتح کرد. وی

در اروپا دست به فتوحاتی زد و جزیره یوبیا (آگریوز) در مجمع‌الجزایر یونان را که قریب سه سده در دست ونیزیان بود را به تصرف درآورد، تجارت ونیز را در دریای سیاه مختل کرد. از اینرو روابط غرب با آق‌قویونلوها ضرورت بیشتری پیدا کرد. اوزون‌حسن که دولت خود را وارث تیموریان و قرا-قویونلوها می‌دانست، به مرحله‌ای رسیده بود که در خود جرأت رویارویی با دولت عثمانی را ببیند. نتیجه این رویارویی جنگهای ترجان و اتلق بلی در سال ۱۴۷۳م گردید.

روابط آق‌قویونلو و عثمانی بعد از جنگهای ترجان و اتلق بلی به صورت روابط آرامی درآمد. عثمانیان بعد از مرگ سلطان محمد فاتح برای مدت طولانی درگیر نزاعهای داخلی شدند. اگرچه عثمانی‌ها، سلطان گوده احمد را به عنوان سلطان آق‌قویونلوها به قدرت رسانیدند، اما وی بیش از بیست ماه حکومت نکرد و این مداخله عثمانی‌ها بنا به درخواست سران آق‌قویونلوها صورت گرفت. قاضی‌احمدغفاری معتقد است که سیاستهای احمد بیگ «به طریق روم» (روشهای عثمانی) استوار بود؛ اما به نظر نمی‌رسد چنین باشد. اصولاً اصلاحات در هر دوره از تاریخ ایران مطرح شده، برای طرد آن توسط هرم قدرت نیاز به برچسب‌هایی بوده، در دوره‌ی مذکور به علت دشمنی با امپراتوری عثمانی (روم) بهترین گزینه اصطلاح رومی به نظر می‌رسیده است. این تحقیق با عنوان روابط آق‌قویونلو و عثمانی از ۸۰۴ تا ۹۰۷ هـ ق را در بر می‌گیرد که به بررسی روابط آق‌قویونلو و عثمانی و فراز و فرود روابط آنان در طول یک سده می‌پردازد.

۱-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

بررسی روابط آق‌قویونلوها و عثمانی در مطالعات تاریخی از زوایای گوناگون حائز اهمیت است. آق‌قویونلوها در کشمکش امیر تیمور گورکانی با بایزید ایلدروم منشاء خدماتی به امیر تیمور گورکانی شدند. تا آنجا که از طرف تیمور حکومت دیاربکر به رئیس آق‌قویونلوها، قراپولوک عثمان‌بیگ در سال ۸۰۴ هـ ق واگذار شد.

روابط آق‌قویونلوها با تیموریان تابعی از روابط آنان با قراقویونلوها بود. در دوره‌ای که قرا-قویونلوها با تیموریان سازش داشتند، آق‌قویونلوها به عثمانی روی آوردند. این روند تا سال ۸۷۳ هـ ق که برای سلسله آق‌قویونلوها، تیموریان و قراقویونلوها سال مهمی است، ادامه داشت. زیرا در این سال اوزون‌حسن فرمانروای آق‌قویونلوها موفق به شکست جهان‌شاه قراقویونلو شد. وی به عمر سلسله قراقویونلوها خاتمه داد. همچنین ابوسعید تیموری را در جنگ محمودآباد شکست داد. و او را به قتل رساند، بدین ترتیب اوزون‌حسن وارث قراقویونلوها و تیموریان شد. و حکومت وی از حالت رئیس یک قبیله به فرمانروایی بخش اعظم ایران و آناتولی شرقی تبدیل شد. عثمانیان در

دوره سلطان محمد فاتح در اوج قدرت بودند و دول اروپایی را دچار وحشت کردند. از این رو اروپاییان به ناچار متوجه سلسله آق‌قویونلوها شدند. از سوی دیگر در دوره اوزون‌حسن، روابط آق-قویونلوها و عثمانی در کشاکش روابط آق‌قویونلوها با قراقویونلوها و تیموریان شکل نمی‌گیرد، بلکه در این دوره نقشه سیاسی تا حدودی تغییر کرده است. قدرتهایی که در این دوره در روابط ایران (آق‌قویونلو) و عثمانی تأثیر گذارند عبارتند از دنیای آنروز غرب به سرکردگی ونیز، امپراتوری طرابوزان و دولت قرامان که در سال ۱۴۶۹ م ضمیمه امپراتوری عثمانی شد. اوج رابطه آق‌قویونلو و عثمانی، جنگهای ترجان و اتلق بلی ۱۴۷۳ م می‌باشد. بعد از جنگ ترجان روابط عثمانیان با آق‌قویونلوها به صورت روابط آرامی برمی‌گردد. همه‌ی موارد فوق قابل بررسی است.

۱-۲. پیشینه‌ی تحقیق

تاکنون تحقیق مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است. منابع قدیم و جدید در حاشیه و به نحوی گذرا به آن پرداخته‌اند. لازم به ذکر است، اسناد و فرمانهای پادشاهان که از آن عصر به جا مانده منابع بسیار مهم می‌باشند که تحت عنوان منشآت گردآوری شده‌اند؛ همچون منشآت-السلطین اثر فریدون بیگ، منشآت حیدرایاوغلی و تاریخ‌هایی همچون تاریخ دیاربکره اثر ابوبکر طهرانی و یا عالم‌آرای امینی اثر فضل‌الله روزبهان خنجی و ... که در همان عصر نوشته شده است. در مورد عصر آق‌قویونلوها به خاطر روابط با غرب ما تعداد زیادی سفرنامه داریم. که از دیده اروپائیان به مسائل مختلف نگاه کرده‌اند و در خیلی موارد رهگشا می‌باشد. همچنین از منابع تاریخی عثمانی همچون تاریخهای عثمانی هامر بورگشتال، اسماعیل حقی اوزون چارشلی و ... برخورداریم.

پیرامون موضوع رساله، برخی از پژوهشگران و مورخان معاصر در آثار خود مطالبی را ذکر کرده‌اند در بین محققان معاصر که در ارتباط با تاریخ آق‌قویونلو آثاری ایجاد کرده‌اند باید از ولادیمیر مینورسکی، رویمر، اسماعیل حسن زاده، فاروق سومر، عبدالحسین نوایی و ... نام برد. هر کدام از موارد فوق دارای اهمیت فراوانی می‌باشد. با توجه به بررسی که اینجانب در مورد پایان نامه‌ها انجام داده‌ام، در دانشگاه شیراز و دیگر دانشگاههای کشور پایان نامه‌ای با این عنوان تاکنون نوشته نشده است.

۱-۳. روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات این رساله کتابخانه‌ای است. اطلاعات مربوط از کتابهای متقدم و پژوهشهای محققان معاصر گردآوری شده است. از آنجاییکه کتابهای متقدم به لحاظ زمانی به موضوع رساله نزدیک و گاهی معاصر می باشند این کتب برای رساله در حکم اسناد درجه یک می باشند. فیش برداری از آنها به همراه تحقیقات معاصرین انجام می شود، سپس اطلاعات گردآوری شده و به لحاظ موضوعی و زمانی طبقه بندی شده اند. تجزیه و تحلیل لازم برای هر موضوعی انجام می شود و هر فصلی با یک نتیجه گیری به پایان می رسد. در انتها نتیجه گیری نهایی بیان شده است.

۱-۴. طرح مساله

شکل گیری دولت آق قویونلوها در کشاکش دولت تیموریان با دولتهای عثمانی، قراقویونلو، آل جلابر صورت گرفت. روابط خارجی آق قویونلوها و امپراتوری عثمانی تابعی از تحولات منطقه ای و فرامنطقه ای بود و از یک طرح ثابتی برخوردار نبود. سیاست خارجی آق قویونلوها با امپراتوری عثمانی بنیانی برای سیاست خارجی دولت صفویه شد که در آن دو پدیده‌ی عثمانی و اروپا نقش درجه‌ی اول را داشتند.

۱-۵. سوالات تحقیق

- ۱- تأسیس دولت آق قویونلوها در چه فرایندی از روابط قدرتهای آن عصر صورت گرفته است؟
- ۲- تیموریان و قراقویونلوها در ایجاد روابط آق قویونلوها با عثمانی چه نقشی ایفا کرده‌اند؟
- ۳- اوج روابط آق قویونلو و عثمانی در چه دوره ای بوده و ماهیت آن چگونه بوده و چرا؟
- ۴- نقش دول اروپایی، امپراتوری طرابوزان و سلسله قرمان در ایجاد روابط آق قویونلو و عثمانی چگونه بوده است؟
- ۵- آیا اصلاحات اواخر دوره آق قویونلو از عثمانی تاثیر پذیرفته است؟

۱-۶. فرضیه

- ۱- شکل گیری دولت آق قویونلوها حاصل تعاملات میان قدرتهای سیاسی اوایل قرن نهم مانند تیموریان ، قراقویونلوها ، آل جلایر و عثمانیها بوده است.
- ۲- سیاست خارجی دولت آق قویونلوها در قبال عثمانی بنیانی برای سیاست خارجی ایران در عصر صفوی بوده است که در آن دو پدیده عثمانی و اروپا نقش درجه اول را دارند.
- ۳- سیاست خارجی آق قویونلوها در قبال عثمانی متأثر از چگونگی روابط آن با قراقویونلو، عثمانی ، طرابوزان، آل قرامان و دول اروپایی بوده و از یک طراحی مستقل برخوردار نبوده است.

۱-۷. معرفی و نقد منابع

در بررسی منابع باید چند نکته را مدنظر داشته باشیم: اینکه آن منبع در چه مقطعی از تاریخ نگارش یافته؟ مورخ در کدام مکان جغرافیایی رشد کرده؟ دلیل نگارش کتاب وی چیست؟ این نکته را هم ما باید در نظر داشته باشیم هر کتاب تاریخی خود به مثابه گنجینه‌ای است که مورخ مواردی را (آن مواردی که از نظر خود با اهمیت یافته) گزینش کرده و بقیه را رها کرده و اصلا امکان عدم گزینش برای مورخ یا هر راوی دیگر وجود ندارد؛ چون امکان ثبت همه وقایع برای مورخ وجود ندارد، از این رو همیشه پژوهندگان با تواریخ ناقص سر و کار دارند. شاید این گفته ما را به این گزینه رهنمون کند که تاریخها همیشه ناقص هستند؛ اما این خود از بزرگی و عظمت تاریخ و بالطبع از عظمت کار مورخ حکایت دارد. از سوی دیگر این منابع که امروزه باقی مانده، همان منابعی که مورخ، خود نگاشته نیست بلکه آن نیز توسط کاتبان و... گزینش شده است. مثلا ما از شاهنامه که خود فردوسی نگاشته اثری نداریم بلکه قدیمترین نسخه، نسخه فلورانس می‌باشد که بعد از چندین سده از شاهنامه فردوسی کتابت شده است. نکته قابل تامل دیگر ، پیوستگی تاریخ با قدرت است. قدرت تعیین می‌کند کدام قسمت از تاریخ نگاشته شود و بالعکس. اصولا جایی که قدرت حضوری ضعیفی دارد حضور تاریخ نیز کم رنگ است- پیوستگی تاریخ با قدرت قدمتی به درازای تاریخ دارد. با این اوصاف به سراغ منابع دوران آق قویونلوها می‌رویم.

تاریخ دیار بکریه اثر ابوبکر طهرانی

سرچشمه‌ی آگاهی ما درباره‌ی آق قویونلوها کتاب دیاربکریه می باشد. مهمترین منبع در مورد سلسله‌های آق قویونلوها و قراقویونلوها تاریخ دیاربکریه می باشد. مولف که خود روزگاری در دیار جهان‌شاه قراقویونلو بوده است، بعد از مرگ جهان‌شاه به دست اوزون حسن به دیار اوزون حسن پیوست و بنا به دستور وی اقدام به نگارش تاریخ آق قویونلوها پرداخت. از آنجا که آق قویونلوها با قراقویونلوها پیوستگی داشتند، بنابراین مهمترین منبع در مورد قراقویونلوها نیز می باشد. از آنجا که وقایع هم عصر مولف است و مولف در دل وقایع قرار گرفته؛ وقایع را با چشم خود می بیند، اهمیت آن فوق العاده است. ابوبکر طهرانی در دیار قراقویونلوها و آق قویونلوها سمت منشی‌گری داشته است. از آنجا که حوزه‌ی جغرافیایی قراقویونلوها و آق قویونلوها قسمتی از ترکیه و ایران غربی می باشد از این لحاظ برای تاریخ ایران و ترکیه در سده نهم دارای اهمیت می باشد.

تاریخ عالم آرای امینی اثر فضل الله بن روزبهان خنجی

روزبهان متخلص به امین، از دانشمندان و تاریخ‌نگاران ادیب سده‌ی نهم و دهم هجری بود و همزمان آق قویونلوها، صفویان و شیبانیان می زیست. وی تعلیم یافته‌ی استادانی همچون جلال الدین دوانی و عمیدالدین شیرازی بود. خنجی، تاریخ عالم آرای امینی را به دستور یعقوب بیگ فرزند اوزون حسن و در شرح احوال ملوک بایندری از عهد اوزون حسن تا زمان مرگ سلطان یعقوب نوشته است. ذکر وقایع و حوادث در این کتاب یا چشم دید مولف است یا مسموعاتی از ناقلان ثقة است. مهمترین منبع مربوط به دوره‌ی سلطان یعقوب آق قویونلو کتاب مذکور می باشد.

سفرنامه‌های ونیزیان در ایران

سفرنامه‌های ونیزیان در ایران مشتمل بر شش سفرنامه است که پنج تای آن را چهارتن از سفیران ونیزی، یکی را بازرگانی گمنام، از مردم همان دیار نوشته‌اند. این عده در فاصله‌ی سالهای سلطنت اوزون حسن و شاه طهماسب صفوی به ایران آمده‌اند و ماموریت اصلی سفیران آن بوده است که ایران را به جنگ با عثمانی برانگیزد و مانع توسعه و بسط نفوذ ترکان عثمانی در اروپا شوند. این سفرنامه‌ها عبارتند از: سفرنامه‌ی جوزافا باربارو، آمبروزیو کنتارینی، کاترینو زنو، آنجلو و سفرنامه‌ی بازرگان گمنام ونیزی در ایران. در مورد این سفرنامه باید گفت اهمیت آن بسیار می باشد. ونیزیانی که به سرزمین آق قویونلوها می‌آمدند همه چیز برایشان تازه و جالب بود. آنان مراسم عروسی، آداب و رسوم و حتی نقش و نگاری که بر روی دروازه‌ی شهر تبریز حک شده بود را

به تصویر کشیده‌اند. این سفرنامه‌ها به لحاظ شناخت از شهرها، تعدا جمعیت، راههای تجاری و... دارای اهمیت می‌باشند.

احسن التواریخ اثر حسن روملو

احسن التواریخ در زمینه تاریخ ایران و عثمانی بر اساس توالی سنین از سال ۸۰۷ تا ۹۰۰ هـ ق را دربرمی‌گیرد. این کتاب قسمت اعظم مطالب خود را از دیاربکره اقتباس کرده است.

تاریخ الفی اثر قاضی احمد غفاری و آصف خان قزوینی

تاریخ الفی، تاریخ ایران و کشورهای همسایه (عثمانی، هند و...) را از سال ۸۵۰ هـ تا ۹۸۴ هـ را دربرمی‌گیرد. پس از روی کار آمدن حکومت گورکانیان در شبه قاره هند با توجهی که آنان به فرهنگ ایرانی و زبان فارسی مبذول داشتند کتابهای زیادی به زبان فارسی تالیف شد. به ویژه در زمان اکبرشاه چنین روندی شدت یافت. یکی از مهمترین این کتابها تاریخ الفی است. تاریخ الفی کتاب مهم و بزرگی در تاریخ عمومی کشورهای اسلامی است. به ویژه قسمت های مربوط به شرق جهان اسلام با تفصیل بیشتری توین شده است. این کتاب تاریخ هزار ساله کشورهای اسلامی و شبه جزیره هند است و از این رو نام الفی بر آن نهاده شده است. شروع حوادث از سال اول رحلت پیامبر است و تا سال هزار رحلت می‌بایست ادامه پیدا می‌کرد. لیکن وقایع چندسال آخر یا نوشته نشده یا اکنون در دسترس نیست. نگارش این کتاب در سال ۹۹۳ هـ ق بنا به دستور اکبرشاه صورت گرفت. وی نگارش آن را به گروهی از مورخان دربارش داد که از سال اول رحلت پیامبر تا سال سی و شش رحلت نوشتند به دلیل کند بودن کار آن را به ملا احمد تتوی سپرده شد. ملا احمد تتوی وقایع را تا سال ۶۹۴ رحلت رساند و کشته شد. دنباله تاریخ مذکور را آصف خان قزوینی سپرده شد. تاریخ الفی جامع ترین و کامل ترین تاریخ عمومی سال به سال درباره‌ی کشورهای اسلامی به زبان فارسی است. این کتاب برخلاف کتابهای تاریخی دیگر مبنای آن رحلت پیامبر است از این رو همیشه باید ده سال به آن اضافه کرد تا با سال هجری قمری مطابقت داشته باشد.

تاریخ امپراتوری عثمانی یوزف ون هامر پورگشتال^۱

هامر پورگشتال خاورشناس برجسته اتریشی، یکی از بزرگترین خاورشناسان اروپا در قرن نوزدهم است. نخستین مطالعات ایرانشناسی در اتریش برای اولین بار توسط او صورت گرفت. وی

^۱ - Joseph Von Hammer Purgstall

به زبانهای فارسی، ترکی، عربی تسلط کامل داشت. وی در زمینه تاریخ عثمانی سی سال به طور مداوم کارکرد. در اهمیت این کتاب همین بس این کتاب مبنای تمام کتابهای تاریخی جدید است که درباره‌ی ترکیه عثمانی نوشته شده می باشد. دقت نظر مولف و توجه او به جزئیات و تفصیل وقایع که از منابع اصلی و آرشیوها استخراج شده همراه با دید جامع تحلیلی او ازسیر حوادث به این کتاب جایگاه ویژه‌ای می بخشد و هنوز هم پس از ۱۵۰ سال که از تالیف آن می گذرد و با آنکه پس از وی دهها کتاب معتبر درباره‌ی تاریخ عثمانی نوشته شده، ارزش خود را حفظ کرده است.

تاریخ عثمانی اثر اسماعیل حقی اوزون چارشلی

چارشلی استاد دانشگاه استانبول ترکیه و عضو موسسه تاریخ ترک می باشد. کتاب مذکور در چهار جلد انتشار یافته و تاریخ عثمانی را تا سال ۱۷۸۹ م را دربرمی گیرد. این کتاب به لحاظ بررسی روابط عثمانی با دولتهای دیگر مهمترین منبع می باشد. چارشلی از افراد پرکار در تاریخ عثمانی می باشد. وی تا لحظه مرگ از کار تحقیق باز نماند. به نقل از دکتر محمد رضا نصیری که تا دقایقی پیش از مرگ چارشلی در کتابخانه موزه توپقاپی با او بود، وی در حال تحقیق درباره‌ی یک سند تاریخی بود که در جلو موزه توپقاپی بر زمین افتاد و درگذشت.

فصل دوم

تخاصم تیمور با آل جلایر، قراقویونلوها و عثمانی و تاثیر آن بر شکل گیری آق قویونلوها (۸۰۷-۷۸۸هـ.ق)

۱-۲. جغرافیای سیاسی آناتولی و غرب ایران هنگام حمله‌ی تیمور (۸۰۴-۷۹۰هـ.ق)

ورود ترکان سلجوقی در قرن پنجم هجری به آسیای صغیر اوضاع آنجا را برای همیشه دگرگون کرد. آل ارسلان سلجوقی در نبرد ملازگرد (۴۶۳هـ.ق) امپراطور رومانوس دیوجانوس را اسیر ساخت. سلجوقیان روم از سال ۴۷۰ تا ۷۰۰هـ.ق دوام داشتند. هجوم مغولان در نیمه‌ی اول قرن هفتم هجری سلجوقیان روم را نیز تحت تاثیر قرار داد. مغولان در نبرد کوسه داغ (۶۳۹هـ.ق)، سلجوقیان روم را شکست دادند و از این به بعد سلجوقیان روم ناگزیر از پرداخت خراج به مغولان شدند. بعد از نبرد کوسه داغ، جنگ و جدال داخلی بر سر تصاحب سلطنت بین سلجوقیان روم، سبب تثبیت نفوذ مغولان در آناتولی شد. برای مقابله با این وضع ترکمنهای مستقر در کیلیکیا و روم یعنی عشایر مرزی، خود راسا دست به اقدام زدند. پیمانهایی که در زمان قدرت سلجوقیان با امپراتوری روم بسته شده بود کم کم شکسته شد. ترکمنها با استفاده از ضعف امپراتوری بیزانس، فرصت پیشروی به سوی آناتولی غربی را به دست آوردند. گروهی بسیار از ترکمنها که غرب را امن یافته بودند نیز رو به این سو نهادند. حملات آغاز شده از سوی ترکمنها به اراضی بیزانس نتیجه موفقیت آمیزی به همراه داشت. با سرنگونی سلجوقیان آناتولی، امپراتوری بیزانس نیز در سرایشیب سقوط قرار گرفت. عملیات ترکمنها در خاک بیزانس به طور مستمر ادامه یافت. خانهای مرزی که ریاست ترکمنها را برعهده داشتند به تشکیل امیرنشینها دست زدند و همزمان با این اقدامات با پذیرفتن حاکمیت ایلخانان و با پرداختن خراج سالیانه معین به آنان تا مدتی از تعرض آنها آسوده خاطر شدند. بدین ترتیب در مرزهای سلجوقیان روم، امیرنشینهای گرمیان، بنی اشرف، بنی حمید، آل منتشا، عثمانی، آل قراسی، صاروخانیان و آیدینیان به وجود آمدند (چارشلی، ۶، ۱۳۷۷-۴۵). در اوایل قرن چهاردهم میلادی دیگر هیچ نامی از دولت سلجوقیان در میان نبود. با مرگ غیاث الدین

کیخسرو دوم در سال ۱۳۰۸م، دولت سلجوقی که در زمان وی اسما وجود داشت عملاً از میان برداشته شد. پس از سلجوقیان اداره امور آناتولی به والیانی که از سوی ایلخانان تعیین می شدند سپرده شد. قدرتمندترین والی ایلخانان در آناتولی دمیرتاش پسر امیر چوپان بود. پس از دمیرتاش شخصی به نام اردنا والی آناتولی شد. او با توجه به چگونگی شرایط، اقدامی علیه حکام آناتولی نکرد و با بهبود اوضاع داخلی، رضایت خاطر آنان را فراهم کرد. پس از درگذشت ابوسعید، آخرین ایلخان مغول در سال ۷۳۶هـ ق فرزندان هلاکو بر سر کسب مقام سلطنت به جنگ با یگدیگر برخاستند و در کشاکش این جنگ قدرت، اردنا، بدون سروصدا به تاسیس حکومتی در آناتولی اقدام کرد که در این رهگذر از سلطان مملوک نیز بهره گرفت و سیواس را مرکز حکومت خود قرار داد.

از دوره سلطان مراد اول، عثمانی که خود یکی از امیرنشینهای دهگانه بود شروع به تصرف امیرنشینهای همجوار کرد و این روند با آمدن ایلدرم بایزید تشدید شد. به طوریکه هنگام حمله تیمور به آناتولی تقریباً همگی امیرنشینهای مذکور به تصرف عثمانی درآمده بودند. در غرب ایران، آل جلایر که حوزه حکومتش از تبریز تا بغداد را دربرمی گرفت در دست سلطان احمد جلایری بود که با مدعیات داخلی و حکومتهای همجوار درگیر بود. در حوزه داخلی ایران، آل مظفر به پایتختی شیراز حکومت می کردند. قراقویونلوها به ریاست قرایوسف در اطراف دریاچه وان بودند. آق قویونلوها نیز در اطراف دیاربکر و آمد با قاضی برهان الدین احمد که قدرت را از دست آل ارتق ربوده بود و حوزه حکومتش سیواس و قیصریه بود درگیر بودند. در حوزه ارزنجان، پهرتن حکومت می کرد که وی نیز از ایلدرم بایزید و قدرت روزافزون عثمانی در بیم و هراس بود. در حوزه سوریه و مصر قدرت در دست مملوکان بود. در چنین اوضاع و احوالی سر و کله تیمور در آناتولی و غرب ایران پیدا شد.^۱

۱- تیمور پسر امیر ترغای است و نسب او را مورخان به خاندان چنگیز رسانده‌اند ولی صحت این ادعا معلوم نیست. تیمور به تاریخ شعبان ۷۳۶هـ ق در یکی از قرای شهر کش (شهر سبز حالییه در جنوب سمرقند بین شهرکش و بلخ) متولد شد. ایام خردسالی را در میان طایفه برلاس به شکار و سواری و آموزش تیراندازی پرداخت. اوایل زندگی تیمور درست معلوم نیست و قریب به یقین است که در این ایام چون او هنوز شهری نداشته و به زندگی عادی ایلیاتی سر می‌کرده، تاریخ او واقعه معتبری را متضمن نبوده تا کسی به ضبط آن اعتنا کند. تنها از حدود سال ۷۶۱هـ ق است که وقایع تاریخی مربوط به تیمور مرتباً یادداشت شده و سال به سال معلوم و مضبوط است.

در آن ایام خانهای جغتای از خانواده چنگیز در ماوراءالنهر حکومت می‌کردند. در سال ۷۶۲هـ ق تغلق خان برای اول بار به ماوراءالنهر حمله کرد امیر تیمور در دستگاه امیرحاجی برلاس بود و چون امیرحاجی از جلوی تغلق تیمورخان؛ فرمانروای جغتایان شرقی (کاشغر) به خراسان گریخت تیمور نیز با او همراه شد. اندکی بعد تیمور به ماوراءالنهر برگشت و به خدمت تغلق خان پیوست. خان کاشغر حکومت شهرکش را که به صورت موروثی در دست

۲-۲. تیمور و بایزید (۵-۸۰۰هـ.ق)

تیمور در پی چندین سال فعالیت، ایران را زیر نفوذ و سیطره خود درآورد. وی آذربایجان، عراق عرب و عراق عجم را تصرف کرد و سلطان احمد جلایر را که در بغداد بود به ترک کشورش واداشت. سلطان جلایر نزد ملک ظاهر سلطان مصر پناهنده شد (۱۳۹۳م) و با بازگشت تیمور از بغداد، به یاری سلطان مصر به آنجا بازگشت. وی امیر مسعود والی بغداد را که از طرف تیمور منصوب شده بود ناگزیر از فرار کرد و حکومت از دست داده را باز یافت. تیمور بعداً به هندوستان لشکر کشید و پس از کسب موفقیت‌های چشمگیری در سال ۱۳۹۹م بازگشت. وی طی این جنگ، هندوستان شمالی را به تصرف درآورد و پس از بازگشت از هندوستان، بغداد را بار دیگر فتح کرد. این بار سلطان احمد والی بغداد به اتفاق قرایوسف رئیس ترکمنهای قراقویونلو به سوریه پناه بردند؛ ولی از حلب بازگردانیده شدند که ناچار به آناتولی رفتند و سلطان بایزید آنان را پذیرفت. (پورگشتال، ۱۳۶۷، ۵-۲۶۲)

۳-۲. نخستین تماس بایزید ایلدرم با تیمور

بایزید عایدات محصولات کوتاهیه را به سلطان احمد و عایدات قیصریه و آقسرائی را به قرایوسف و افرادش اختصاص داد. به خاطر پذیرفته شدن پناهندگی سلطان احمد و قرایوسف از سوی بایزید، بین تیمور و بایزید باب مکاتبه گشوده شد. سلطان بایزید که از نامه تهدید آمیز تیمور مبنی بر تحویل پناهندگان به خشم آمده بود از تسلیم آنان به او سرباز زد. بعضی از رجال دولت بایزید

روسای طایفه برلاس بود به تیمور واگذاشت و چون تغلق تیمور به مراجعت به کاشغر مجبور گردید، تیمور در قلمرو حکومتی خود مستقل شد و اندکی بعد سلطه خود را به اغلب نقاط ماوراءالنهر بسط داد (اقبال، ۵، ۱۳۸۰-۵۳۴). تیمور در سایه فعالیت به فرمانروایی ارتقاء یافت؛ ولی چون دریافت که مردم آن منطقه جزء افراد خانواده چنگیز از کسی فرمانبرداری ندارند، حکومت خان جغتای را به رسمیت شناخت و به نام او سکه زد. دولت آلتین اردو سرسخت ترین رقیب تیمور بود و تیمور با اوروس و توقتامیش دو تن از خانهای این دولت به شدت درگیر شد؛ حال آنکه زمانی که توقتامیش، خان کریمه بود، به سبب کشتن پسر اوروس خان (۱۳۶۱-۱۳۷۵م) نزد تیمور گریخت و از محبت‌های وی بهره‌مند شد و حتی در سال ۷۷۷هـ.ق/۱۳۵۸م به سبب مرگ اوروس به یاری تیمور بر پسران اوروس غلبه کرد و به حکومت آلتین اردو رسید. بعدها وی محبت‌های تیمور را از یاد برد و از در ستیزه جویی با او درآمد، ولی جزء شکست‌های پی در پی نصیبی دیگر نداشت (چارشلی، ۱۳۷۷، ۳۴۳).